

جنگ اوکراین و ضدیت با امپریالیسم

مناظره‌ی الکس کالینیکوس و ژیلبر اشکار



در ادامه‌ی انتشار مقالات و دیدگاه‌های مختلف در ارزیابی تهاجم نظامی روسیه به اوکراین، متن مناظره‌ی مکتوب ژیلبر آشکار و الکس کالینیکوس را می‌خوانیم. الکس کالینیکوس جنگ در اوکراین را نبرد جاری قدرت‌های امپریالیستی با یکدیگر می‌داند و از چپ‌گرایانی که در این میان نقش ناتو را نادیده می‌گیرند انتقاد می‌کند. ژیلبر آشکار در یادداشت نخست به کالینیکوس پاسخ می‌دهد و در ادامه نیز پاسخ کالینیکوس به آشکار را می‌خوانیم.

الکس عزیز

من علاقه‌مندانه نقدت در [کارگر سوسیالیست](#) مورخ ۲۷ مارس بر موضوع را خواندم. ما، من و تو، تا امروز سنتی طولانی از بحث و گفت‌وگو بین خود داشته‌ایم. من همواره از این فرصت استقبال می‌کنم، زیرا بحث ما، آن‌گونه که باید بین مارکسیست‌ها انجام شود، با روحیه‌ای رفیقانه و بدون تحریف عامدانه‌ی نظرات یکدیگر و افترازی است که متأسفانه در صفوف بخش بزرگی از چپ بسیار رایج است. چپ هنوز متأثر از میراث نفرت‌انگیز استالینیسم است.

منبعی که از آن نقل می‌کنید مقاله‌ی من با عنوان [«شش پرسش متداول در مورد ضدیت با امپریالیسم امروز و جنگ در اوکراین»](#) است. محور انتقادات این است که من از ویژگی بیناامپریالیستی جنگ اوکراین غافل هستم. همان‌طور که سعی خواهم کرد نشان دهم، نقدت مبتنی بر تعریفی نسبتاً متناقض از جنگ جاری است که من آن را نتیجه‌ی تلاش‌تان برای نشستن بین دو صندلی تفسیر می‌کنم - تحلیل حقیقتاً مارکسیستی از جنگ جاری و تحلیل نو-اردوگاه‌گرایانه که مشخصه‌ی بخش بزرگی از جنبش ضدجنگ بریتانیا است که برای سالیان متمادی از نزدیک با آن در ارتباط بوده‌اید.

شما می‌نویسی، «آنچه از رویکرد آشکار غایب است» - در این جا اضافه می‌کنید، «و چپ‌گرایان دیگری که مسأله‌ی ناتو را نادیده می‌گیرند» گویی شامل من هم هست - «درکی اخص از نظر تاریخی از امپریالیسم است که در مارکسیسم ارائه شده است.» سپس ردای استادی خود را بر تن می‌کنید تا درگیر تبیینی آموزشی از امپریالیسم مدرن شوید که «این فقط کشورهای بزرگ قلدر نیستند که در پی غلبه بر دولت‌های کوچک‌ترند - اگرچه نمونه‌های زیادی از آن وجود دارد. این سیستم جهانی رقابت بین‌سرمایه‌داری است.» و نتیجه می‌گیرید، «این درک از امپریالیسم سرمایه‌داری که شامل سیستم رقابت بین‌دولتی است، به‌طور کامل در تحلیل آشکار غایب است.»

الکس، در میان همه‌ی منتقدان، طرح این اتهام از جانب تو، بسیار عجیب است، زیرا در سال ۲۰۱۰ در نشریه‌ی *سوسیالیسم بین‌الملل*، [بررسی من را از کتابات](#) منتشر کردی، که در آن درباره‌ی داوری‌ات در مورد رقابت‌های بین‌امپریالیستی بحث کردم. همچنین با نوشته‌های من در مورد گسترش ناتو از اواخر دهه‌ی ۱۹۹۰ و به دنبال آن مداخلات متعدد دیگر در طول سال‌ها، مانند [مصاحبه‌ای با یک رفیق روس](#) به هنگام جنگ قبلی اوکراین در سال ۲۰۱۴، آشنا هستی. و اگر به خودتان زحمت بررسی آن چه را در مورد رویارویی اخیر بر سر اوکراین نوشتم می‌دادی - همان‌طور که باید قبل از انتقاد از موضع من انجام می‌دادی - متوجه می‌شدی که [از همان ابتدا](#) آن را در چارچوب خصومت بین روسیه و قدرت‌های غربی به رهبری واشنگتن قرار دادم.

بنابراین، بی‌تردید لازم نیست درس‌گفتاری در مورد ماهیت بین‌امپریالیستی رویارویی جاری و نقش ناتو ارائه کنم، درست است؟ در این صورت از نقدت چه باقی می‌ماند؟ [بحث درباره‌ی] توسعه‌ی دیرپای امپریالیسم عملاً اختلاف نظر اصلی‌ات با موضع من در مورد ماهیت جنگ کنونی در اوکراین را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. من آن را جنگ تجاوزکارانه‌ی امپریالیسم روسیه علیه اوکراین توصیف کردم و بنابراین (۱) جنگ تجاوزکارانه‌ای که به نام شووینیسیم روسیه‌ی بزرگ در طرف امپریالیسم روسیه به‌راه افتاد و (۲) جنگ عادلانه در طرف اوکراینی‌ها که با تهاجم روسیه به کشورشان می‌جنگند.

تصدیق می‌کنی که «در واقع خوب است اگر مردم اوکراین بتوانند مهاجمان روس را بیرون برانند.» اما پس از آن به تلاشی پیچیده دست می‌زنی تا آنچه را که به‌نادرستی

ادعا می‌کنی من رد کرده‌ام تبیین کنی، یعنی تلاش می‌کنی توضیح دهی که «جنگ اوکراین متضمن درگیری بین قدرت‌های امپریالیستی است». این تلاشی ناگوار برای مبهم کردن موضوع با محو کردن تمایز بین «جنگ» و «درگیری» است. هیچ کس منکر نیست - و قطعاً من منکر نمی‌شوم - که در پس جنگ اوکراین یک درگیری بین‌امپریالیستی وجود دارد. اما آنچه که از من نقل می‌کنید در مورد آن نیست: بلکه در مورد این واقعیت است که جنگ در اوکراین یک جنگ بین‌امپریالیستی نیست، ولو آن‌که به‌وضوح در چارچوب زمینه‌ای از درگیری‌های بین‌امپریالیستی رخ دهد.

در این‌جا چه تفاوتی وجود دارد؟ در واقع با صراحت تمام، از منظر لنینیستی که دوست داری به آن اشاره کنی - اگر جنگ اوکراین یک جنگ بین‌امپریالیستی بود، انترناسیونالیست‌ها باید در هر دو طرف از شکست‌گرایی انقلابی حمایت می‌کردند. از آنجایی که این یک جنگ بین‌امپریالیستی نیست، شکست‌گرایی انقلابی فقط در طرف روسیه در دستورکار قرار دارد، در عین حال که خودت اعتراف می‌کنی، «واقعاً خوب است که مردم اوکراین بتوانند مهاجمان روس را بیرون برانند».

کاملاً روشن است که تلاش‌ات برای استناد به لنین برای حمایت از مواضع قانع‌کننده نیست. از او نقل می‌کنی که در پاسخ به کسانی که در جنگ جهانی اول مدافع حق دفاع از خود بودند با استناد به مبارزه‌ی صربستان برای تعیین سرنوشت، گفت: «به صربستان، یعنی شاید به یک‌درصد یا بیشتر از شرکت‌کنندگان در جنگ کنونی: جنگ "ادامه‌ی سیاست" جنبش‌رهای بخش بورژوازی است. برای نود و نه درصد دیگر، جنگ ادامه‌ی سیاست امپریالیسم است.» اما پس از آن، استفاده‌ی خود از این نقل‌قول را با اضافه کردن این عبارت تعدیل می‌کنی: «البته، در وضعیت فعلی موازنه‌ی متفاوتی وجود دارد، زیرا جنگ مستقیماً شامل اوکراین و روسیه است».

اما تفاوت بزرگی وجود دارد، این‌طور نیست؟ پس بگذار نقل قول دیگری از لنین، از جزوه‌ی معروف او در سال ۱۹۱۵ درباره‌ی [سوسیالیسم و جنگ](#)، ارائه کنم که در آن نگرش بلشویک‌ها در مورد جنگ جهانی اول را توضیح داد و انواع مختلف جنگ را مورد بحث قرار داد. لنین با اشاره به تهاجم آلمان به بلژیک در آغاز جنگ نوشت: «امپریالیست‌های آلمانی بی‌شرمانه بی‌طرفی بلژیک را نقض کردند، همان‌طور که

دولت‌های متخاصم همیشه و در همه‌جا چنین کرده‌اند و در صورت لزوم همه‌ی پیمان‌ها و تعهدات را زیر پا گذاشته‌اند. فرض کنید همه‌ی کشورهایی که علاقه‌مند به رعایت پیمان‌های بین‌المللی هستند با تقاضای آزادی بلژیک و پرداخت غرامت به آن، با آلمان اعلان جنگ می‌کردند. در چنین حالتی، سوسیالیست‌ها، البته با دشمنان آلمان هم‌دل خواهند بود. اما نکته‌ی اصلی این است که «اتحاد سه‌گانه (و چهارگانه)» بر سر بلژیک در حال جنگ نیستند، این کاملاً روشن است و فقط افراد ریاکار آن را کتمان می‌کنند. انگلیس مستعمره‌های آلمان و ترکیه را تصرف می‌کند. روسیه به گالیسیا و ترکیه چنگ می‌اندازد، فرانسه آلزاس-لورن و حتی کرانه‌ی چپ راین را می‌خواهد...»

امیدوارم برای‌ات این نقل قول به اندازه‌ی کافی اهمیت تمایز گذاشتن صریح بین جنگ در دو طرف یک قدرت امپریالیستی با کشوری که در صدد است تحت سلطه درآورد، روشن کند، ولو آن که قدرت‌های امپریالیستی رقیب از مقاومت کشور دوم حمایت کنند (لنین می‌گوید حتی اگر آنها «از طرف آن» اعلان جنگ کردند، که از نظر من فرضیه‌ای بیهوده است زیرا دیگر قدرت‌های امپریالیستی هر چیزی هم که تظاهر کنند فقط برای منافع امپریالیستی خود اعلام جنگ می‌کردند) و جنگ جهانی اول شکل کلاسیک جنگ تجاوزکارانه بین دولت‌های امپریالیستی بود.

نوشتم: «به نظر من کاملاً روشن است که پیروزی روسیه جنگ‌افروزی و فشار برای افزایش هزینه‌های نظامی در کشورهای ناتو را به شدت تقویت می‌کند، کاری که از قبل به آن دست زده‌اند، در حالی که شکست روسیه شرایط بسیار بهتری برای نبرد ما برای خلع سلاح عمومی و انحلال ناتو ایجاد می‌کند. در پاسخ می‌گوییم: «اگر به لطف تلاش‌های [ناتو] و شجاعت جنگنده‌های اوکراینی، روسیه شکست بخورد، آیا واکنش آمریکا و متحدانش خلع سلاح و انحلال ناتو خواهد بود؟ البته که این کار را نمی‌کنند. آنها این نتیجه را به‌عنوان پیروزی‌شان جشن می‌گیرند و ناتو را بیشتر تقویت می‌کنند. چه کسی می‌تواند با این حکم مخالف باشد؟ مطمئناً من مخالف نیستم، اما این نکته‌ای نیست که به آن اشاره کردم. خیلی ساده‌تر است - اگر روسیه بتواند مقاومت اوکراین را درهم بکوبد و کل کشور را کنترل کند و همانطور که مشخصاً نیت و محاسبات پوتین بر آن بود «تغییر رژیم» را اجرا کند، صدای ما به‌عنوان نیروهایی که

خواهان کاهش اساسی هزینه‌های نظامی و انحلال ناتو هستیم، در این سونامی نظامیگری‌های جنگ طلبانه غرق شده است.

از آن جا که مقاومت اوکراین تاکنون افسانه‌ی ارتش قدرتمند روسیه را درهم شکسته است - و حتی اگر فراتر از این جنگ با ناکام ساختن اهداف امپریالیستی روسیه (در محدوده‌ی آنچه که احتمالاً می‌تواند با توجه به عدم توازن عظیم قوا به دست آورد) بیرون بیاید، ادعای من این است که این به نفع استدلال ما علیه جنگ در برابر گرایش مداوم دامن زدن بر آتش «تهدید روسیه» به منظور توجیه افزایش هزینه‌های نظامی و گسترش بیشتر ناتو است.

رفیقانه

ژیلبر

ژیلبر عزیز

خوشحالم که تصمیم گرفتی به مقاله‌ی من یا عنوان چنگ‌اندازی ابرقدرت - امپریالیسم و جنگ در اوکراین پاسخ دهی. این مقاله اساساً بحث درباره‌ی آنچه تو در مورد اوکراین نوشته‌ای نیست، بلکه تلاشی برای نشان دادن ارتباط نظریه‌ی مارکسیستی امپریالیسم برای درک وضعیت وحشتناک کنونی است. اما از برخی از چیزهایی که گفתי برای نشان دادن چیزی بهره می‌برم که فکر می‌کنم گرایش اشتباه چپ رادیکال برای تمرکز صرف بر مبارزه بین اوکراین و امپریالیسم روسیه با نادیده گرفتن نقش ایالات متحده و ناتو است.

همانطور که می‌گویی، به‌عنوان دوست و رفیق، در طول سال‌ها، چند تبادل فکری سازنده داشته‌ایم تا مانع سوءاستفاده یا ارائه‌ی نادرست [بحث] بشویم. بنابراین بحث کنونی می‌تواند به روشن شدن مسائل کمک کند. با این حال، فکر نمی‌کنم رفیقانه یا دقیق باشد که من را به همراهی با «نگرش فراگیر نو-اردوگاه‌گرایانه [متهم کنی] که مشخصه‌ی بخش بزرگی از جنبش ضد جنگ بریتانیا است، که شما سال‌هاست با آن ارتباط نزدیک داشته‌ای».

اردوگاه‌گرایی موضع بخشی از چپ است که عملاً مبارزه‌ی طبقاتی را تابع رقابت‌های ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ می‌دانند که یکی را «ارتجاعی» و دیگری را «مترقی» تلقی می‌کند. این دیدگاه ریشه در دوران جنگ سرد دارد. نمی‌توانی مرا به این نوع اردوگاه‌گرایی متهم کنی. تونی کلیف گرایش ما را بر اساس شعار «نه واشنگتن و نه مسکو، بلکه سوسیالیسم بین‌المللی» پایه‌گذاری کرد و هر دو طرف جنگ سرد را به عنوان اردوگاه‌های امپریالیستی استعمارگر می‌دید.

در واقع، اردوگاه‌گرایی به‌طور خاص در موارد مرتبط با حمایت از رژیم قاتل اسد در سوریه و توجیه تصرف کریمه توسط روسیه در سال ۲۰۱۴ در سال‌های اخیر احیا شده است. اما حزب کارگران سوسیالیست هر دو موضع را رد کرد. مستند کردن انتقادات عمومی من به آنچه شما «نو-اردوگاه‌گرایی» می‌نامید، کار بی‌ارزش خسته‌کننده‌ای است. به‌خوبی می‌دانی که گرایش انترناسیونال سوسیالیستی به‌قوت از انقلاب سوریه حمایت کرد و رفقای ما در «جریان چپ انقلابی سوریه» در آن شرکت کردند.

درست است که رهبری «ائتلاف برای توقف جنگ» (STW) در هر دو مورد تردید داشت. اما، در حالی که همچنان به حمایت از این ائتلاف ادامه می‌دهیم، بار دیگر اختلافات خود را تصریح کردیم. خوشبختانه ائتلاف اکنون موضع روشن‌تری اتخاذ می‌کند و هم حمله‌ی روسیه به اوکراین و هم نقش ناتو در اروپای مرکزی و شرقی را محکوم می‌کند. فکر می‌کنم که باید اتهام «نو-اردوگاه‌گرایی» را پس بگیرد.

پس تفاوت‌ها چه هستند؟ قسمت معروفی از سریال کم‌دی دهه‌ی ۱۹۷۰ با نام «برج‌های فالتی» هست که موضوع آن «نام جنگ را مبر!» خطاب به برخی از گردشگران آلمانی است. بخش بزرگی از چپ متعلق به چیزی است که می‌توان آن را گرایش «نام ناتو را مبر» نامید. متأسفم که بگویم توجیه پیچیده‌ای برای این موقعیت ارائه می‌دهی. تو گله می‌کنی که من «ردای استادی را برای پرداختن به تبیین آموزشی درباره‌ی امپریالیسم مدرن» و ویژگی آن به‌عنوان یک سیستم جهانی رقابت بین‌اسرمایه‌داری بر تن می‌کنم، در حالی که تو همه‌چیز را در این مورد می‌دانی. من در پاسخ دو نکته را می‌گویم:

اول، همان‌طور که قبلاً توضیح دادم، مقاله برای تو نوشته نشده است. ثانیاً، در واقع تو همه چیز را در مورد امپریالیسم هم از نظر تاریخی و هم در مورد مرحله‌ی کنونی آن می‌دانی. به خصوص مقاله‌ی عالی‌ای را که در سال ۱۹۹۸ در مورد استراتژی ایالات متحد پس از جنگ سرد در نیویورک ریویو نوشتی به یاد دارم. عنوان آن، سه‌گانه‌ی استراتژیک - ایالات متحد، روسیه و چین، و محتوای آن با امروز بسیار مرتبط است. معما این است که این تحلیل تا حد زیادی در آنچه در مورد اوکراین نوشته‌ای وجود ندارد. تا آن‌جا که من می‌دانم اولین متنات در این زمینه، یادداشتی در مورد موضع رادیکال ضد امپریالیستی در رابطه با جنگ در اوکراین بود، که در آن فقط یک جمله را به موضوع گسترش ناتو اختصاص می‌دهی.

بقیه در مورد آن چیزی است که چپ باید در مورد مبارزه بین اوکراین و روسیه انجام دهد. تو این تمرکز را در متن بعدی خود، که قبلاً از آن انتقاد کرده‌ام، با انکار این‌که جنگ - و همچنین جنگ دفاع ملی - یک جنگ بین امپریالیستی است، توجیه می‌کنی. اما استدلالات بسیار ضعیف است.

تو می‌گویی: «اگر هر جنگی که در آن یک رقیب امپریالیستی از یکی از طرفین حمایت کند، جنگ بین امپریالیستی نامیده شود، آن‌گاه تمام جنگ‌های زمان ما بین امپریالیستی خواهد بود، زیرا قاعده‌تاً کافی است یکی از امپریالیسم‌های رقیب از آن حمایت کند تا دیگری از طرف مقابل حمایت کند. جنگ بین امپریالیستی این نیست. این یک جنگ مستقیم است و نه جنگ نیابتی بین دو قدرت که هر یک به دنبال تهاجم به قلمرو سرزمینی و (نو)استعماری دیگری است، همان‌طور که به‌وضوح در جنگ جهانی اول بود. این یک «جنگ تجاوز کارانه» از هر دو طرف است، همان‌طور که لنین دوست داشت آن را این‌گونه بخواند.

این تعریف که جنگ بین امپریالیستی مستلزم این است که هر دو طرف در آن به دنبال تسخیر قلمرو یکدیگر باشند، حتی با جنگ جهانی دوم همخوانی ندارد. امپریالیسم بریتانیا و فرانسه علاقه‌ای به تصرف قلمرو آلمان نداشتند، بلکه می‌خواستند امپراتوری‌های‌شان را که قبلاً بسیار گسترده شده بودند حفظ کنند. و هیتلر به آن سرزمین‌ها علاقه خاصی نداشت. او در پی اروپای شرقی و اتحاد شوروی بود.

تلاشات برای رد کردن امکان جنگ‌های بینامپریالیستی از راه جنگ نیابتی نیز جای تردید دارد. باید به‌طور مشخص به شرایط و شکل‌گیری جنگ‌های خاص نگاه کرد. جنگ کره (۱۹۵۰ تا ۱۹۵۳)، همان‌طور که کلیف در آن زمان استدلال کرد، جنگی بینامپریالیستی بود که در آن اتحاد جماهیر شوروی از کره‌ی شمالی و چین به‌شکل نیابتی علیه ایالات متحد و متحدانش استفاده کرد. درست است که رهبر کره‌ی شمالی، کیم ایل سونگ، مشتاق حمله به جنوب و اتحاد مجدد شبه‌جزیره‌ی کره بود. اما استالین او را تشویق و از او حمایت کرد، تا حدی برای دسترسی به بنادر آب‌های گرم در کره‌ی جنوبی، و تا حدی برای پیوند دادن مائوتسه دون نه‌چندان راغب، به اردوگاه شوروی.

مبارزه‌ی ویتنام بسیار متفاوت بود. نیروی محرک مبارزات آزادی‌بخش ملی به رهبری حزب کمونیست بود که به‌طور متوالی امپریالیسم فرانسه، ژاپن و ایالات متحد را در بر گرفت. اتحاد شوروی حمایت نظامی سنگینی ارائه کرد، اما به‌هیچ‌وجه جنگ را هدایت نکرد، و در واقع در مراحل پایانی در اواخر دهه‌ی ۱۹۶۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ نگران بود که ممکن است در روند تنش‌زدایی با ایالات متحد اختلال ایجاد کند. ما باید ارزیابی عینی مشابهی از جنگ کنونی داشته باشیم. در توانمندی آگاهی ملی اوکراین که تهاجم آن را تقویت می‌کند، شکی وجود ندارد. اما نقش بسیار فعال آمریکا و ناتو نیز انکارناشدنی است. این با مورد خیالات از لنین که خودت آن را «فرضیه‌ی بی‌هوده» می‌نامی، همخوانی ندارد، این که «جامعه‌ی بین‌المللی» برای معکوس کردن تهاجم آلمان به بلژیک به جنگ برود.

این چیزی نیست که الان اتفاق می‌افتد. ایالات متحد در پی مبارزه‌ی طولانی‌مدت خود با دو عضو دیگر «سه‌گانه‌ی استراتژیک»ات، چین و روسیه، ائتلاف خود را با سایر اعضای ناتو احیا می‌کند. در همین حال، برخلاف تلاش‌ات برای انکار این موضوع، بسیاری از کشورهای مهم از اوکراین و غرب حمایت نمی‌کنند.

به گفته‌ی ادوارد لوک از فایننشال تایمز، در رأی‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل متحد در محکومیت روسیه در تاریخ ۲ مارس، «۳۵ کشوری که رأی ممتنع دادند تقریباً نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. که شامل چین، هند، ویتنام، عراق و آفریقای

جنوبی می‌شود. اگر کسانی را که همراه با روسیه رأی دادند اضافه کنید، به بیش از نصف می‌رسد.»

مشارکت غرب در جنگ، که در دیدار هفته‌ی گذشته بایدن با دیگر رهبران ناتو بار دیگر بر آن تأکید شد، شامل ارائه‌ی تسلیحات و آموزش نظامی قبل از جنگ و تدارکات امروز است. بدون شک مقامات اطلاعاتی و مستشاران نظامی غربی نیز در صحنه فعال هستند.

علاوه بر این، نقش غرب را نمی‌توان به حمایت نظامی تقلیل داد. این موضع لادری‌گرایانه‌ی عجیب را داری که نه از تحریم‌ها علیه روسیه حمایت می‌کند و نه خواستار لغو آنها هستی. این موضع نقشی را که تحریم‌ها واقعاً ایفا می‌کنند نادیده می‌گیرد.

استراتژی ایالات متحد و متحدانش این است که به دلیل ترس از راه انداختن چیزی که آن را «مارپیچ مرگبار» می‌نامی، از دخالت مستقیم در جنگ خودداری کنند، اما با حذف روسیه از تجارت جهانی و محروم کردن بانک مرکزی از دسترسی به ذخایرش، ضربه‌ی اقتصادی بسیار سختی به روسیه بزنند و وابستگی اروپا به نفت و گاز روسیه را کاهش دهند.

همان‌طور که نیکلاس مولدر در مطالعه‌ی تاریخی ارزشمند جدیدی درباره‌ی تحریم‌ها اشاره می‌کند، «تحریم‌های اقتصادی عموماً به‌عنوان بدیلی برای جنگ در نظر گرفته می‌شوند. اما برای اکثر مردم در دوره‌ی بین دو جنگ جهانی اول و دوم، پس از تجربه‌ی محاصره‌ای که بریتانیا و فرانسه در طول جنگ جهانی اول بر آلمان و متحدانش تحمیل کردند، سلاح اقتصادی جوهره‌ی جنگی تمام‌عیار بود.»

به نظر می‌رسد که ولادیمیر پوتین زمانی که اعلام کرد در واکنش به اعمال تحریم‌های مالی غرب، نیروهای هسته‌ای روسیه را در حالت آماده‌باش قرار می‌دهد، قطعاً چنین واکنشی نشان داده است. علاوه بر این، ترس از اعمال تحریم‌ها علیه چین در لحظه‌ای که برای واشنگتن مناسب باشد، به انگیزه‌ی حمایت پکن از مسکو کمک می‌کند.

رویکرد مارکسیستی به‌درستی این است که بدانیم وضعیت کنونی هم یک جنگ بینامپریالیستی نیابتی و هم جنگ دفاع ملی از سوی اوکراین است. پیچیده است، زیرا ما را ملزم می‌کند که از حقوق ملی اوکراینی‌ها حمایت کنیم و در عین حال با تمام اقدامات - از جمله تحریم‌ها و ارسال تسلیحات ناتو - که «مارپیچ مرگبار» تشدید تنش بینامپریالیستی را تغذیه می‌کند، مخالفت کنیم. با وجود این، سنت انترناسیونالیستی لنین و لوکزامبورگ چیزی منحصر به فرد برای کمک دارد، مشروط بر این‌که از رقابت سه‌جانبه‌ی امپریالیستی که به این جنگ دامن می‌زند و موجبات ادامه‌ی آن را فراهم می‌کند، غافل نشود.

پیوند با منبع اصلی:

https://anticapitalistresistance.org/ukraine-and-anti-imperialism-gilbert-achcar-and-alex-callinicos-debate/?fbclid=IwAR0bQR79zv9jif7jboYc5WaTt8_i4I_IXubavz03MBNveZ5fnpM1vJhI2y0